

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۱ دسمبر ۲۰۲۲

شادی روح "ملای لنگ" به وسیله "ندیم"!



سه شنبه - ۲۹ قوس ۱۴۰۱ - کابل: هرگاه به اخبار گوش فرا داده باشید، حتماً در جریان فرمانی که سرپرست وزارت تحصیلات عالی نظام ملاسالار، "ملا ندا محمد ندیم" در باب تعلیق روند تحصیل دختران و زنان در سطح بالاتر از ۱۲ یعنی پوهنتون ها و مؤسسات تربیت معلم دولتی و خصوصی صادر نموده، قرار گرفته اید، این فرمان که از یک سو باعث خوشنودی ارواح خبیثه ملای لنگ معروف و شرکاء در قعر جهنم گردیده و چه بسا بر میزان گناهان و عقوبت بر آنها افزوده، از جانب دیگر آخرین میخی بود که بر تابوت حق تحصیل زنان و دختران از جانب طالب و نظام ملاسالار زده شد.

هموطنان گرامی!

همان طوری که در نوشته های قبلی خود بارها تذکار داده ام آنچه امروز درباب تعلیم و تربیت در افغانستان در جریان است، باز تاب تضاد است که قدمت علنی آن حد بیش از ۱۰۰ سال از تاریخ کشور ما را با فراز و فرود های متواتر مواجه ساخته است. این تضاد، تضاد بین معارف عصری است با مدارس مذهبی!

این تضاد به علاوه آن که تباین و اختلافات شدید در شکل و محتوای مطالب و شیوه تدریس دو جهت آن تضاد را به نمایش می گذارد، گستره و محدودیت حاملان آن نیز یکی از مسائلی است که در طول یک صد سال گذشته، رشد و تکامل جامعه ما را با موانع شدیدی مواجه ساخته است.

هرگاه از مخالفت های اولیه ای که در مقابل تأسیس مکتب حبیبیه، علیه امیر حبیب الله خان صورت گرفت بگذریم و در آن نقش مثبت و سازنده مشروطه خواهان نخستین را که بیشتر آنها مولوی و ملا بودند و معلمینی که از خارج هم آورده شده بودند، آنها نیز تحصیلات آخوندی داشتند، نادیده نگیریم، تضاد بین معارف عصری و مدارس مذهبی در کشور ما دقیقاً بعد از تأسیس مکاتب امانی و امانیه بعداً "نجات و استقلال" و به موازات آن اولین گامهایی که در جهت تأسیس "مؤسسه نسوان" برداشته شد، وارد مرحله و فاز جدیدی از مبارزه گردید.

اوج این تضاد زمانی خود را متباز ساخت، که دولت امانیه به علاوه آن که تعدادی از زنان و دختران- هرچند طبقات و اقشار بالای جامعه- را در شهر کابل شامل مکتب و درس ساخت، بلکه تعدادی از دختران را غرض تحصیل به خارج نیز فرستاد.

این حرکت حاکمیت در بطن اوضاع نابسامان کشور و ناپیگیری های حاکمیت در تعقیب سیاست های مردمی، توأم با فراز و فرود ها در اتخاذ سیاست های کلی حاکمیت، زمینه را برای استعمار انگلیس مساعد ساخت تا با استفاده از عقب مانده ترین و متحجر ترین اقشار جامعه یعنی ملا و آخوند که تا آن زمان زمین را بر بالای شاخ گاو می پنداشتند، مقابله خویش را در ظاهر علیه اقدامات فرهنگی حاکمیت امانی، مگر در واقعیت علیه کلیت آن نظام آزادیخواه و مشروطه طلب آغاز نماید.

یکی از نماد های آن حرکت ارتجاعی "ملا عبدالله گردیزی" معروف به "ملای لنگ" بود. نامبرده که در پیوند و تحت هدایت مستقیم استخبارات انگلیس فعالیت می نمود، یک از برجسته ترین خواستهایش ممانعت از تحصیل دختران در تمام سطوح از جمله فراخواندن آن تعداد از دختران و زنانی بود که به ترکیه جهت تحصیل فرستاده شده بودند.

امروز وقتی ۱۰۰ سال بعد از آن تاریخ می خوانیم که یک نوکر دیگر استعمار به نام "ندا محمد ندیم" از موضع سرپرست وزارت تحصیلات عالی، فرمان صادر می نماید و تا اطلاع ثانوی تحصیلات دانشگاهی دختران و زنان را به حالت تعلیق می آورد و از تمام مؤسسات تربیتی می خواهد تا نتیجه اقدامات شان را به آن وزارت اطلاع دهند، در واقع می خواهد آخرین میخ را بر تابوت تحصیل دختران و زنان بکوبد.

هموطنان عزیز!

این که طالب و نظام ملاسالار چه می کند، کاریست که خود مطابق به سیاست های خرد و بزرگ شان انتخاب نموده اند، برای تحقق آن مبارزه کرده اند، هموطن را کشته وطن را ویران کرده اند، سرانجام قلاذه عبودیت استعمار را بر گردن آویخته اند؛ ما به جای آن که بیانییم زانوی غم در بغل بگیریم و ناله و فریاد کنیم که طالب چنین کرد و یا چنان، بهتر است اندکی به خود آمده از خود سؤال نمائیم که ما می باید در قبال چنین تصمیمی چه عکس العملی نشان دهیم؟ آیا به مانند عکس العمل جیونانه ای که در قبال دختران معارف از ما سرزد و آنها را تنها گذاشتیم، باز همان عکس العمل جیونانه را نشان دهیم یا "به مه چه" گفته از کنار قضیه بگذریم و یا شجاعانه در کنار خواهران، دختران و فرزندان خود ایستاده، به دهن این فرزند و نواده خلف ملای لنگ زده، به دفاع از حقوق آنها زمین زیر پای طالب و طالبیسم را به لرزه بیفکنیم. چنانچه "نظامی عروضی سمرقندی" گفته است:

مهتری گر به کام شیر در است شو خطر کن ز کام شیر بجوی

یا بزرگی و عز و نعمت و جاه یا چو مردانت مرگ رویاروی

هموطنان گرامی!

به مثابه یک هموطن بسیار صمیمانه می گویم: من به همان اندازه که از طالب و سیاست هایش منزجر و متنفر هستم، با صداقت تمام می گویم از آنهایی که به یک انتقاد خالی و ریختن چند قطره اشک اکتفاء نموده، طالب را به نبرد فرا نمی خوانند، اگر متنفر هم نباشم برای شان کمترین احترامی قایل نیستم. من اعتقاد دارم که عقب نشینی ها و جبن ما و فرار ما از میدان مبارزه، طالب را جری و بی حیاء ساخته، می خواهد خواستهای خودش و اجدادش را که به زیاله دان تاریخ افکنده شده اند برآورده بسازد. این را بدانیم مادامی که ما مقابل طالب نایستیم و برای تثبیت هویت فرهنگی و تاریخی خود و حقوق حقه و خدشه ناپذیر خواهران، دختران و مادران خود نرزمیم آنها باز هم پیشتر خواهند آمد. اگر جلوشان گرفته نشود، به جای "نان ملا"، برای بسترشان هم "نوبت ملا" خواهند خواست.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!